

## جستاری در مقبرة الشعراى تبريز

مریم محمدزاده\*

## چکیده

تذکره‌ها و کتب تاریخی در مورد آبادانی مقبرة الشعرا تا قرن دهم هجری اتفاق نظر دارند؛ لیکن در مورد تاریخ انهدام و ویرانی آن توافقی وجود ندارد. در نیمه دوم قرن دهم هجری حافظ حسین کربلایی در روضات الجنان از نابود شدن این مقبره خبر می‌دهد، در حالی که در اوایل قرن یازدهم هجری، ملاحشری در روضة الاطهار از معلوم بودن مزار شاعرانی مانند خاقانی و اسدی در آن سخن به میان می‌آورد و منابع متأخری مثل اولاد الاطهار و تاریخ دارالسلطنه تبریز از آنجا به عنوان گورستانی معدوم یاد می‌کنند. این نوشتار به وسیله فنّ تحلیل محتوا، از یک سو ضمن معرفی سند و منبعی جدید، به نقد آراء موجود در مورد تاریخچه نابودی مقبرة الشعرا می‌پردازد و ثابت می‌کند که نوشته‌های مؤلف روضة الاطهار در زمینه آبادانی مقبره در قرن یازدهم، دقیق و دارای اصالت است؛ از سوی دیگر با توجه به این که در مورد شاعران مدفون در مقبرة الشعرا نیز اتفاق نظر وجود ندارد، بعد از معرفی شاعرانی که یقیناً در آنجا به خاک سپرده شده‌اند؛ نشان می‌دهد که نیز تبریزی در مقبرة الشعرا دفن نشده و مدفون بودن انوری، ائیرالدین اخیسکتی و فلکی شروانی در این محل، مورد تردید است.

کلید واژه‌ها: تبریز، مقبرة الشعرا، شهریار، قطران، اسدی طوسی، خاقانی.

\* - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر - ایران. ay\_maryam@yahoo.com

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۱۸

اعلام وصول: ۱۳۹۵/۰۴/۲۴

## ۱- مقدمه

تبریز در تاریخ پر فراز و فرود خود از دیرینه‌ترین اعصار، همواره یکی از کانون‌های درخشان علم و ادب و فرهنگ بوده است. این شهر به برکت حضور اتابکان آذربایجان و ایلخانان در ایام پرغوغای قرون ششم و هفتم به بعد، سال‌های متمادی به صورت یکی از قطب‌های علمی و از مراکز بسط و ترویج ادب و گاه ادیب پرور ایران درآمد و در نتیجه تجمّع فضلا و شعرا و توجه امیران و وزیران، محیط مناسبی برای ترویج و اشاعه فضل و ادب در این خطه فراهم شد؛ از این رو، دانشمندان و ادبا و عرفای گران‌سنگی از سراسر ایران به این منطقه آرام روی آوردند و پس از عمری تلاش بی‌وقفه در ترویج علم و ادب، در آرامگاه‌های متعددی که در چهار کوی مشهور تبریز (چرنداب، گجیل، ششگلان و سرخاب) وجود داشت، به خاک سپرده شدند.

به گواه اسناد و کتاب‌های تاریخی و کتب رجال و تذکره‌ها، هر کدام از این کوی‌ها، آرامگاه یکی از طبقات مختلف شاعران، عارفان و عالمان بوده‌است؛ چنان که چرنداب را مقبره‌ای مخصوص به دانشمندان و گجیل را مقبره‌ای ویژه عارفان شمرده‌اند.» (دولت آبادی، ۱۳۴۳: ۲۶۷)

در این میان، کوی سرخاب به جهت انتساب به شاعران و عارفان صاحب‌نام، اهمّیت و احترام بسیاری در میان مردم داشت؛ چنان که ملاّ حشری راجع به ارج و برکت این کوی از دیدگاه مولوی می‌نویسد: «مردمی که از تبریز به خدمتش مشرف شده و آنچه به سیل هدیه می‌برده‌اند قبول ننموده و می‌فرموده که هر کس از تبریز می‌آید تحفه او خاک سرخاب است که برای ما قدری بیاورد که با خاک سرخاب فیضی است که من آن فیض را با هیچ خاکی ندیده‌ام.» (حشری، ۱۳۷۱: ۱۱۳)

«در این کوی، مقابر و گورستان‌های متعددی وجود داشت.» (نادر میرزا، ۱۳۷۳: ۱۳۳) که از آن

میان مزارهای بابا مزید، بابا حسن و مقبره الشعرا مشهور بوده‌اند.

دولت آبادی می‌نویسد: «از این مقابر و مزارات، مزار باباحسن و مزار بابامزید اختصاص به باباها و پیران تصوّف داشته؛ ولی مقبره سوم به مناسبت دفن تدریجی شعرا بدین نام یعنی مقبره الشعرا مشهور شده است.» (دولت آبادی، ۱۳۴۳: ۲۶۹) مؤلف اولاد الاطهار نیز می‌نویسد: «مشهور است که از مقبره الشعرا تا مزار باباحسن تعلق به شعرا داشته و در زمان سابق غیر از

شاعران، در این میان کسی را نمی گذاشتند که دفن شود» ( طباطبایی، ۱۳۸۹: ۱۵۰)؛ ولی این بدان معنا نیست که در حظیره بابا مزید و بابا حسن هیچ شاعری دفن نشده باشد، چنان که شعرای مانند خلوتی تبریزی (حشری، ۱۳۷۱: ۱۱۰) شیرین مغربی (کربلایی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۶) و همام تبریزی (همان: ۱۰۵) در حظیره بابا مزید دفن شده‌اند.

به اجمال می توان چنین گفت؛ «که در روزگاران گذشته، در کوی سرخاب، مزار و گورستانی وجود داشت که به آن مزار سرخاب یا گورستان سرخاب نیز گفته می شد، چنان که حافظ حسین کربلایی، مرقد پیر لیفی را در سرخاب معرفی می کند و مزار پیر سلیمان شاه جوهری را در سرخاب، نزدیک به مزار پیر لیفی می داند.» (همان: ۱۷۵)

در سال ۶۱۰ ه. ق پیر و بابایی به نام باباحسن در گورستان سرخاب دفن شد و سپس بزرگانی همچون پیرممد، شیخ کبیر، لسانی شیرازی و ... در کنار این بزرگوار آرمیدند و رفته رفته نام حظیره باباحسن مشهور گردید.

در سال ۶۲۰ ه. ق یکی از اولیا، به نام بابامزید در این کوی و اطراف دره گراب به خاک سپرده شد و به مرور زمان، مشاهیر و شعرای مانند: همام تبریزی، شیرین مغربی، صنع الله کوزه کنانی، عبدالقادر نخبجوانی و ... را در کنار او دفن کردند و با گذشت زمان، این محل به حظیره بابا مزید مشهور و معروف شد.

«از قرن هشتم به بعد و با دفن شدن تدریجی شعرا در کوی سرخاب، نام مقبرة الشعرا به تذکره‌ها و کتب تاریخی راه یافت.» (سجادی، ۱۳۷۵: ۱۳۴) و به اجمال، محل دفن بزرگان در این کوی (اعم از حظیره‌های بابا حسن، بابا مزید و گورستان سرخاب) مقبرة الشعرا نامیده شد.

این تذکره‌ها و کتب تاریخی در مورد آبادانی مقبرة الشعرا تا قرن دهم هجری اتفاق نظر دارند؛ لیکن در مورد تاریخ نابودی مقبره، با آن عظمتی که قسمت عمده‌ای از امتداد کوه عینالی تا کرانه‌های مهرانرود را دربرمی گرفت توافقی وجود ندارد. همچنین در مورد شاعران مدفون در مقبرة الشعرا نیز اتفاق نظر وجود ندارد.

## ۲- پیشینه تحقیق

با بررسی پیشینه تحقیقاتی که در مورد مقبره الشعراء انجام گرفته است درمی یابیم که:

- عزیز دولت آبادی در مقاله‌ای به نام مقبره الشعراء سرخاب، پس از تحقیق درباره سرخاب و ذکر اهمیت آن، نام کوچه‌ها، مساجد و تکیه‌های سرخاب را به نقل از تاریخ حشری ذکر می‌کند؛ آنگاه به بررسی مدارک و شواهدی که نام مقبره الشعراء در آنها آمده است، می‌پردازد و می‌نویسد: «ضمن مرور در منابع راجع به مقبره الشعراء به این نکته برمی‌خوریم که در بعضی از این منابع از قبیل تاریخ حشری، آنجا که سخن از مقبره الشعراء و مزار شاعرانی چون: حکیم خاقانی، حکیم اسدی، شاهپور و ظهیرالدین فاریابی به میان می‌آید، می‌گوید اظهر من الشمس است؛ در حالی که در منابعی مانند اولاد الاطهار و دیگر منابع متقدم (مثل تاریخ دارالسلطنه تبریز نادر میرزا) از مقبره الشعراء همچون مقبره‌ای معدوم و گورستانی نامعلوم یاد می‌شود. با توجه به این نکته و تاریخ تألیف این کتب و مدارک (کتب و منابع تألیف شده در آذربایجان منظور است) (کذا) می‌توان تاریخ تقریبی انهدام و زیر خاک رفتن مقبره الشعراء را تعیین کرد.» (دولت آبادی، ۱۳۴۳: ۲۷۰) آنگاه علل از بین رفتن مزارات شعراء در سرخاب را بررسی کرده و اسدی طوسی، قطران، خاقانی، مجیرالدین بیلقانی، ظهیرالدین فاریابی، شاهفور بن محمد و اثیرالدین اخیسکتی را به عنوان شاعران مدفون در مقبره الشعراء معرفی می‌کند؛ لیکن تاریخ تقریبی انهدام مقبره الشعراء را ذکر نمی‌کند و حلّ این مسأله که حشری مزار شاعرانی مثل خاقانی و اسدی و ... را معلوم می‌داند و روضات الجنان و اولاد الاطهار و تاریخ دارالسلطنه تبریز از آن همچون گورستانی معدوم یاد می‌کنند، در هاله‌ای از ابهام باقی می‌ماند.

- ضیاءالدین سجادی در کتابی با عنوان کوی سرخاب تبریز و مقبره الشعراء (۱۳۷۳: ۱۴۰)، سعی در حلّ این مسأله دارد و معتقد است اطلاعاتی که حافظ حسین کربلایی در نیمه دوم قرن دهم

هجری در مورد بر جای نماندن اثر و نشانه‌ای از مقبرة الشعرا بیان کرده، آخرین اطلاعات صحیح در مورد این محل است و نوشته‌های حشری نامعتبر است.

- نویسندگان کتاب مقبرة الشعراى تبریز (حسین زاده: ۱۳۸۴) هیچ اشاره‌ای به تاریخچه مقبرة الشعرا ندارند.

### ۳- روش پژوهش و چهارچوب نظری

در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. گردآوری و طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل و دست یافتن به یافته‌ها و استنتاج کلی، ساختارهای اساسی این پژوهش را تشکیل می‌دهد. ابتدا به نقد و بررسی تاریخچه مقبرة الشعرا از آبادانی تا احیاء دوباره آن پرداخته شده؛ سپس بعد از بحثی در زمینه شعراء مدفون در سرخاب، شعرای که مدفون بودن آن‌ها در این محل مورد تردید است و شعرای که یقیناً در این محل دفن نشده‌اند، مورد کاوش قرار گرفته است.

### ۴- تاریخچه مقبرة الشعراء سرخاب از آبادانی تا احیا

تاریخ بناکتی که در سال ۷۱۷ ه.ق تألیف شده، کهن‌ترین کتابی است که از کوی سرخاب، نامی به میان آورده است؛ بنابراین طبیعی است که قدیمی‌ترین تذکره تاریخی یعنی لباب الالباب عوفی که در سال ۶۱۸ ه.ق نوشته شده و شرح حال شاعران قرن ششم همچون خاقانی و ظهیر فاریابی را که در مقبرة الشعراء سرخاب دفن شده‌اند آورده، از مقبرة الشعراء تبریز و کوی سرخاب، نامی به میان نیاورده باشد.

دولت آبادی معتقد است که: «فقط در مدارک متأخر به نام مقبرة الشعرا برمی‌خوریم و در منابع قدیمی مثل تذکره دولت‌شاه سمرقندی، سرخاب یا مقبرة سرخاب یا خاک سرخاب به چشم می‌خورد.» (دولت آبادی، ۱۳۴۳: ۲۶۹).

تذکره دولتشاه سمرقندی در سال ۸۹۲ هـ ق تألیف شده است و از سخنان دولت‌آبادی چنین برمی‌آید که قبل از آن نیز به نام مقبره الشعرا اشاره نشده است؛ ولیکن باید دانست که تنها سیزده سال بعد از تاریخ بناکتی یعنی در سال ۷۳۰ هـ ق حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده، محلّ دفن شاهفور بن محمد (مستوفی، ۱۳۳۹: ۷۲۵)، خاقانی (همان: ۷۲۸)، شمس الدین سجّاسی (همان: ۷۳۶) و ظهیر فاریابی (همان: ۷۳۷) را در مقبره الشعرا ذکر می‌کند.

پس می‌توان گفت تاریخ گزیده در قرن هشتم هجری، متقدم‌ترین کتابی است که نام مقبره الشعرا را به صراحت آورده است و قبل از آن نامی از مقبره الشعرا برده نشده است. ده سال بعد از نگارش این کتاب، یعنی در سال ۷۴۰ هـ ق. حمدالله مستوفی، کتاب دیگری به اسم نزهة القلوب تألیف و در آن اشاره کرده است که «در مقبره الشعرا سرخاب (کذا)، انوری و خاقانی و ظهیر فاریابی و شمس الدین سجّاسی و فلکی شروانی و دیگر شعرا مدفون‌اند.» (مستوفی، ۱۳۳۶: ۸۹)

از قرن هشتم به بعد، اسم مقبره الشعرا یا مقبره الشعرا سرخاب در کتب تاریخی و تذکره‌ها راه یافت؛ ولیکن بسیاری از متون قرن نهم، هنگام ذکر مدفن شاعران به ذکر نام مزار سرخاب، سرخاب و یا گورستان سرخاب اکتفا کرده‌اند. مثلاً دولتشاه سمرقندی که تذکره الشعرا را در سال ۸۹۲ هـ ق تألیف کرده ضمن شرح حال شاعران شهیری مانند؛ خاقانی، ظهیر فاریابی و شاهفور نیشابوری، محلّ دفن آنان را در سرخاب معرفی می‌کند و می‌نویسد: «افضل الدین خاقانی در شهر تبریز بوده در سنه اثنی و ثمانین و خمس مائه و در سرخاب تبریز آسوده است... و قبر افضل الدین ظهیرالدین طاهرین محمد فاریابی و ملک الشعرا شاهفور بن محمد اشهری نیشابوری هر دو در پهلوی خاقانی است.» (دولتشاه سمرقندی، ۱۳۶۶: ۶۶)

در برخی از کتب قرن دهم همچون روضات الجنان (۹۷۵ هـ ق)، هم به مزار سرخاب اشاره شده است (کربلایی تبریزی، ۱۳۳۸: ۴۷) و هم به اسم مقبره الشعرا (همان: ۲۰۱)؛ با این تفصیل پیداست که در قرن دهم، مقبره الشعرا کاملاً شناخته شده و مشهور بوده است.

در قرن یازدهم هجری ملاحشری در روضة الاطهار، مزارهایی را که خاقانی، اسدی، شاهفورنیشابوری و ظهیر فاریابی در آن آسوده‌اند، مقبرة الشعرا معرفی می‌کند. (حشری، ۱۳۷۱: ۱۱۵) با بررسی منابع فوق متوجه می‌شویم که دولت‌شاه سمرقندی در سده نهم هجری، با یاد کرد از مرقد خاقانی، از شهرت آن در روزگار خود خبر می‌دهد و می‌گوید: «مرقد او الیوم مشهور و مقرر است». (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۶۶: ۶۶)

بر این اساس معلوم می‌شود که این مقبره و احتمالاً تمامی بخش مقبرة الشعرا تا اواخر عصر تیموریان یعنی اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم آباد بوده‌است. در نیمه دوم قرن دهم هجری، حافظ حسین کربلایی اشاره می‌کند که مقبره‌های خاقانی و ظهیر فاریابی و شاهفورنیشابوری که مقبرة الشعرا نامیده می‌شود حالا «به کلی مندرس و منظوی است و هیچ اثر و نشانه‌ای از آن به جا نمانده است.» (کربلایی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۰۱) اما در اوایل قرن یازدهم و در سال ۱۰۱۱ هجری ملاحشری زمانی که سخن از مقبرة الشعرا و مزار شاعرانی چون خاقانی و اسدی و شاهفورنیشابوری و ظهیر فاریابی به میان می‌آورد، می‌گوید: «اظهر من الشمس است» (حشری، ۱۳۷۱: ۱۱۶)، آنگاه اشاره می‌کند که «مشهور است که جماعتی از مشاهیر شعرای متصف رحمهم در خاک سرخاب به تخصیص در مقبرة الشعرا آسوده‌اند، چون در این زمان قبر هر یک از این اعزّه معین است؛ بنابراین راقم این نسخه از ذکر ایشان ساکت نشده است.» (همان: ۱۱۷)

ضیاءالدین سجّادی، این نوشته‌های حشری را معتبر نمی‌داند و معتقد است که اطلاعاتی که حافظ حسین در مورد مقبرة الشعرا داده، آخرین اطلاعات صحیح در مورد این محلّ است. چنان که می‌نویسد: «قول حشری در این که می‌نویسد قبور شاعران اظهر من الشمس است و قبر هر یک از این اعزّه معین است، معتبر نیست؛ زیرا به واسطه زلزله‌های پیاپی تبریز، این مزارات به کلی از میان رفته و همان‌طور که حافظ حسین کربلایی نوشته، نام و نشان وردّ پایبی از آن بر جای نیست،

و کتبی که در قرن دوازدهم و سیزدهم و پس از آن نوشته شده هم از مقبره الشعرا فقط نام برده‌اند و جز نام، نشانه دیگری از محل وقوع نداده‌اند». (سجّادی، ۱۳۷۵: ۱۴۱-۱۴۰)

به هر حال، سجّادی نوشته‌های حشری را نامعتبر می‌داند؛ ولیکن باید توجه داشت منبع و سند نو یافته‌ای از سده یازدهم هجری، در جریان تحقیق به دست آمد که سجّادی از آن غافل مانده است.

الف- بر اساس این منبع نویافته، در همان زمانی که حشری، تاریخ خود را نوشته و از واضح بودن قبر شاعرانی مثل خاقانی و اسدی در مقبره الشعرا خبر داده است؛ واعظی به نام ادهم خلخالی در سبحات الانوار، هنگام ذکر مولانا محمد حسین حکاک، پس از ذکر مقامات و حالات وی، از به خاک سپرده شدن او در سال ۱۰۳۷ هجری در کنار مرقد خاقانی خبر می‌دهد و می‌نویسد: «در سنه سبع و ثلاثین و الف از هجرت به علت اسهال در بلده تبریز از دنیا به عقبی راهی شد، مدفن شریفش در خاک سرخاب تبریز در جنب مرقد خاقانی علیهمه الرحمه است». (نورانی، ۱۳۸۱: ۳۱۷/۱)

این مطالب نشانگر آن است که در قرن یازدهم لاقبل مزار و مرقد خاقانی به کلی منهدم و ویران نشده بود.

ب- تذکره تقی‌الدین کاشی نیز که تقریباً همزمان با تاریخ حشری نگاشته شده است از معلوم بودن قبر خاقانی در زمان خودش سخن به میان می‌آورد و می‌نویسد: «در شهر تبریز فی شهر سنه اثنی و ثمانین و خمس مائه وفات کرد و او را در سرخاب مدفون گردانیدند و مرقد او الیوم معلوم است» (به نقل از فروزانفر، ۱۳۶۹: ۶۴۱)

ج- علاوه بر این، خانیکوف که در عصر قاجار (۱۲۷۲هـ.ق) در مورد این گورستان تفحص کرده، نتوانسته است آن را پیدا کند؛ ولی در سال ۱۸۵۵م. (حوالی سال ۱۲۰۰هـ.ق) «از دو پیر مرد از مردم تبریز شنیده که این مقبره پیش از زلزله‌های اخیر برجا بوده؛ ولی اکنون از آن اثری نیست». (مشکور، بی‌تا: ۱۴۰)

«اگر این زلزله‌ها را زلزله‌های سال ۱۱۹۳ و ۱۱۹۴ هـ.ق بدانیم که عزیز دولت‌آبادی در مقاله‌ای به نام «زلزله‌های تبریز»، ویرانگری‌های آن‌ها را بازگو می‌کند.» (دولت‌آبادی، ۱۳۴۳: الف: ۱۵۶-۱۵۱)



و اگر نوشته‌های تقی‌الدین کاشی و ادهم خلخالی و حافظ حسین کربلایی را هم در نظر بیاوریم، شاید این نظر قوت بگیرد که این گورستان بعد از انهدام و نابودی در آشفتگی‌های قرن دهم تبریز، بازسازی شده و حداقل تا ایام کودکی آن دو پیرمرد تبریزی، آباد بوده است سپس توسط همین زلزله‌های ویرانگر، نابود شده است؛ چنان که طباطبایی در اولادالطهار که در سال ۱۲۹۴ ه.ق نوشته، «به این زلزله اشاره دارد که سبب معدوم شدن مقبرة الشعرا گردیده است.» (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۱۵۱) در قرن بعد نیز نادر میرزا در سال ۱۳۲۲ از مقبرة الشعرا همانند گورستانی نامعلوم و کهنه یاد می‌کند و می‌نویسد: «مقبرة الشعرا، این گورستانی بود به کوی سرخاب، اکنون قبرستانی است بس کهنه.» (نادر میرزا، ۱۳۷۳: ۱۷۹)

این گورستان کهنه، به مرور ایام به کلی متروک و منهدم شد؛ ولیکن به دنبال انتشار دیوان کمال خجندی در سال ۱۳۳۷ ه.ش توسط عزیز دولت‌آبادی و بعد از یافتن مقبره کمال در محله ویلانکوه، مقبرة الشعرا مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۳۴۰ محمدحسین شهرستانی از علی دهقان - استاندار وقت - درخواست کرد، بنای یادبودی در محل مقبرة الشعرا فعلی برای شاعران برپا شود. بر همین اساس کمیونی تشکیل شد و طرح دکتر بازرگان مورد تأیید قرار گرفت؛ اما این موضوع مسکوت باقی ماند تا اینکه در سال ۱۳۴۸ ه.ش سید محمد تقی مصطفوی، فکر احیاء مقبرة الشعرا را در اذهان زنده کرد و بالاخره در شهریور ماه ۱۳۵۰ مسابقه‌ای برای طرح بنای یادبودی در مقبرة الشعرا توسط روزنامه کیهان، اطلاعات و یغما برگزار شد و پیشنهاد غلامرضا فرزاد مهر مورد تصویب قرار گرفت و عملیات احداث بنای یادبود شروع شد.

##### ۵- علل از بین رفتن قبور و مزارات بزرگان در سرخاب

از صدها شاعر و نویسنده و حکیم و فقیه و رجال معروفی که در طول هزار و سیصد و اندی سال گذشته، در شهرها و روستاهای ایران زیسته و مرده و به خاک سپرده شده‌اند، بندرت می‌توان نشان قبری مشهود و معمور به دست آورد. قبور و مزارات شاعران مدفون در سرخاب نیز چنین بوده است.

دولت آبادی عواملی همچون؛ «حوادث طبیعی (از قبیل زلزله سال ۱۱۹۳ هـ ق و سیل)، لشکر کشی ترکان عثمانی و اردوگاه ساختن آن‌ها در کوی سرخاب و نیز تعصبات مذهبی شیعیان از زمان شاه اسماعیل صفوی نسبت به آن مقابر را در از بین رفتن این مزارات دخیل می‌داند.» (دولت‌آبادی، ۱۳۴۳: ۲۷۱)؛ لیکن عبدالعلی کارنگ، نقش حوادث طبیعی را انکار می‌کند و زلزله‌ها و حوادث طبیعی را سرنگون کننده کاخ‌های بلند و بقاع سربرافراشته نمی‌داند و می‌نویسد: «الواح و سنگ نبشته‌های مقابر شعرا و عرفای تبریز را زلزله از بین نبرده، بلکه نخست عساکر قشون عثمانی و سپس عمال و سربازان صفوی هنگام بنای قلعه ربع رشیدیّه تبریز، به جای مصالح ساختمانی به کار برده‌اند.» (کارنگ، ۱۳۷۴: ۴۲۹ - ۴۲۸) آنگاه می‌گوید: «سنگ نبشته‌های بزرگی نیز که اکنون از برج ویران قلعه رشیدیّه سر به در آورده‌اند این مدعا را به خوبی ثابت می‌کنند.» (همان: ۱۱۷)

به نظر می‌رسد تمامی این عوامل و بالخصوص تحولات زمانی، اختلاف وضع زندگی عنصر غالب، تغییر طرز تفکر و معتقدات مردم، همگی دست به دست هم داده و موجبات محو و زوال آثار با مانده از این مقابر را فراهم آورده‌اند.

### ۶- شعراى سرخاب

#### ۶-۱ شعراى که یقیناً در مقبرة الشعرا دفن شده‌اند

مقبرة الشعرا از دیرباز مأوایی برای شاعران نام آور و شهیر ایرانی بوده است. برخی از این شاعران همانند همام تبریزی، نجمی تبریزی، شهریار، محمود ملامسی، پدیده تبریزی و ... در تبریز به دنیا آمده و پس از طی مراحل ترقی و پیشرفت و سپری کردن عمر گرانقدر خود، بعد از وفات، در مقبرة الشعراى این شهر آرمیده‌اند و برخی دیگر، تبریزی یا آذربایجانى الاصل نبودند اما هر کدام بنا به عللی در تبریز ساکن شده‌اند و طبق وصیت‌شان در این محل به خاک سپرده شده‌اند. شعراى همچون خاقانی و مجیر بیلقانی از شروان و ظهیر فاریابی و شاهفور نیشابوری از خراسان به تبریز آمدند و در این شهر ساکن شدند چرا که پس از آن که شهر تبریز در قرن ششم مرکز حکومت اتابکان آذربایجان شد، پناهگاه شاعرانی شد که زندگی آرام و آسوده‌ای را دور از جنگ و نزاع

می‌جستند. شاعری مثل اسدی طوسی به علت غلبه سلجوقیان بر خراسان و برافتادن حکومت غزنویان به آذربایجان رفت و مورد تشویق امیران آذربایجان چون بوذکف قرار گرفت و در آنجا ماندگار شد و پس از وفات در حظیرة الشعرا (مقبرة الشعرا) دفن شد. لسانی شیرازی که شیرازی الاصل بود در جوانی شهر و دیار خود را ترک کرد و عازم بغداد و سپس تبریز شد و باقی عمر خود را در تبریز گذراند و عاقبت الامر در حظیرة بابا حسن در کوی سرخاب دفن شد. مانی شیرازی نیز که در قرن دهم هجری در فارس متولد شده بود به اصفهان رفت و از آنجا عازم تبریز شد و پس از وفات در جنب مزار اسدی به خاک سپرده شد.

برخی از این شاعران همچون ابوالقاسم مرتضوی متخلص به آذرتبریزی (متوفی به ۱۳۱۱)، سهیلی تبریزی (متوفی به ۱۳۳۰)، سید محمد حسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار (متوفی به ۱۳۶۸)، محمود ملامسی متخلص به آزر (متوفی به ۱۳۷۰)، نجمی تبریزی (متوفی به ۱۳۷۲)، مهدی روشن ضمیر (متوفی به ۱۳۷۸)، محمود پدیده (متوفی به ۱۳۷۹)، جواد کناره‌چی متخلص به آذر (متوفی به ۱۳۷۹) و عزیز دولت آبادی متخلص به درویش (متوفی به ۱۳۸۸) در دوره معاصر در مقبرة الشعرا دفن شده‌اند و مزارشان به وضوح، مشهود است برخی نیز همچون اسدی طوسی، قطران، خاقانی و ... از سده‌ها پیش در این محل به خاک سپرده شده‌اند و به دلیل انهدام و نابودی مقبرة الشعرا، اثر و نشانه‌ای از مزارشان برجای نمانده است؛ لیکن به استناد تذکره‌ها و منابع مؤثق می‌توان آنها را در گروه شاعرانی قرار داد که یقیناً در مقبرة الشعرا به خاک سپرده شده‌اند. این گروه از شاعران عبارتند از:

۶-۱-۱- اسدی طوسی به استناد روضات الجنان (کربلایی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱/ ۲۱۱)، منظرالاولیا (تبریزی، ۱۳۸۸: ۲۲۰)، دویت سخنور (نظمی، ۱۳۷۸: ۳۴)، مقبرة الشعرا سرخاب

(دولت آبادی، ۱۳۴۳: ۲۷۲) و کوی سرخاب تبریز و مقبرة الشعرا (سجادی، ۱۳۷۵: ۲۳۲)

۶-۱-۲- خاقانی به استناد روضات الجنان (کربلایی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱/ ۲۰۴)، ریحانة الادب (مدرّس تبریزی، ۱۳۶۹: ۲/ ۱۱۵)، منظرالاولیا (تبریزی، ۱۳۸۸: ۲۲۲)، دویت سخنور (نظمی، ۱۳۷۸: ۱۷۳)،

ریاض العارفين (هدایت، بی تا: ۳۰۹)، تاریخ گزیده (مستوفی، ۱۳۳۹: ۷۲۸)، تذکرة الشعرا (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۶۶: ۶۶)، آتشکده آذر (بیگلدی، ۱۳۳۶: ۱۵۲)، هفت اقلیم (رازی، ۱۳۷۸: ۱۴۴۸)، تاریخ نظم و نثر در ایران (نفیسی، ۱۳۶۳: ۱۰۴)، تاریخ ادبیات ایران (رضازاده شفق، ۱۳۵۲: ۳۴۳)، تاریخ ادبیات در ایران (صفا، ۱۳۶۶: ۷۰۸/۲) مقبره الشعراى سرخاب (دولت آبادی، ۱۳۴۳: ۲۷۲) و کوی سرخاب تبریز و مقبره الشعرا (سجادی، ۱۳۷۵: ۲۱۱)

۱-۳-۶- عبدالرحیم خلوتی به استناد روضات الجنان (کربلایی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱/۸۷)، دانشمندان آذربایجان (تربیت، ۱۳۷۸: ۲۲۴)، روضة الاطهار (حشری، ۱۳۷۱: ۱۱۰)، تذکرة شعراى آذربایجان (دیهم، ۱۳۶۷: ۲/۲۰۵) تاریخ تبریز (مشکور، بی تا: ۸۰۱)، سخنوران آذربایجان (دولت آبادی، ۱۳۷۷: ۳۳۹) و کوی سرخاب تبریز و مقبره الشعرا (سجادی، ۱۳۷۵: ۱۷۳)

۱-۴-۶- ذوالفقار شروانی به استناد ریحانة الادب (مدرّس تبریزی، ۱۳۶۹: ۲/۲۶۷)، دانشمندان آذربایجان (تربیت، ۱۳۷۸: ۲۴۵)، سلّم السموات (انصاری کازرونی، ۱۳۴۰: ۲۴۸) آتشکده آذر (بیگلدی، ۱۳۳۶: ۱۹۶) و کوی سرخاب تبریز و مقبره الشعرا (سجادی، ۱۳۷۵: ۳۳۹)

۱-۵-۶- شاهپور نیشابوری به استناد روضات الجنان (کربلایی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۰۱)، دویت سخنور (نظمی، ۱۳۷۸: ۵۰)، روضة الاطهار (حشری، ۱۳۷۱: ۱۱۵)، تذکرة الشعرا (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۶۶: ۱۰۵)، تاریخ گزیده (مستوفی، ۱۳۳۹: ۷۲۵)، کوی سرخاب تبریز و مقبره الشعرا (سجادی، ۱۳۷۵: ۳۲۷) و مقبره الشعراى سرخاب (دولت آبادی، ۱۳۴۳: ۲۷۲)

۱-۶-۶- شکیبی تبریزی به استناد ریحانة الادب (مدرّس تبریزی، ۱۳۶۹: ۳/۲۳۴)، دانشمندان آذربایجان (تربیت ۱۳۷۸: ۳۰۵)، تذکرة شعراى آذربایجان (دیهم، ۱۳۶۷: ۳/۳۳۵)، مفاخر آذربایجان (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۵: ۱۳۴۰)، تاریخ گزیده (مستوفی، ۱۳۳۹: ۷۳۶) و کوی سرخاب تبریز و مقبره الشعرا (سجادی، ۱۳۷۵: ۳۹۱)

- ۶-۱-۷- شمس‌الدین سجاسی به استناد تاریخ گزیده (مستوفی، ۱۳۳۹: ۷۳۶)، نزهة القلوب (مستوفی، ۱۳۳۶: ۸۹) و کوی سرخاب تبریز و مقبرة الشعرا (سجادی، ۱۳۷۵: ۳۲۸)
- ۶-۱-۸- شیرین مغربی به استناد روضات الجنان (کربلایی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۶)، ریحانة الادب (مدرّس تبریزی، ۱۳۶۹: ۳۵۵ / ۵)، روضة الاطهار (حشری، ۱۳۷۱: ۱۰۹)، تاریخ اولاد الاطهار (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۱۴۵)، منظر الاولیا (تبریزی، ۱۳۸۸: ۲۳۰) و دانشمندان آذربایجان (تریبت، ۱۳۷۸: ۵۰۴)
- ۶-۱-۹- ظهیر فاریابی به استناد ریحانة الادب (مدرّس تبریزی، ۱۳۶۹: ۷۶/۴)، روضة الاطهار- (حشری، ۱۳۷۱: ۱۱۷)، تاریخ اولاد الاطهار (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۱۳۹)، منظر الاولیا (تبریزی، ۱۳۸۸: ۲۲۵)، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر (خواند میر، ۱۳۸۰: ۵۵۹/۲)، نزهة القلوب (مستوفی، ۱۳۳۶: ۸۹)، تاریخ گزیده (مستوفی، ۱۳۳۹: ۷۳۸)، تذکرة الشعرا (دولتشاه سمرقندی، ۱۳۳۸: ۹۰)، سلّم السّموات (انصاری کازرونی، ۱۳۴۰: ۲۸۹)، تاریخ ادبیات در ایران (صفا، ۱۳۶۶: ۷۵۷/۲)، مقبرة الشعرا (سرخاب (دولت‌آبادی، ۱۳۴۳: ۲۷۲) و کوی سرخاب تبریز و مقبرة الشعرا (سجادی، ۱۳۷۵: ۳۱۹)
- ۶-۱-۱۰- قطران به استناد مقبرة الشعرا (سرخاب (دولت‌آبادی، ۱۳۴۳: ۲۷۲) و کوی سرخاب تبریز و مقبرة الشعرا (سجادی، ۱۳۷۵: ۲۵۰)
- ۶-۱-۱۱- لسانی شیرازی به استناد روضات الجنان (کربلایی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱/۱۶۸)، منظر الاولیا (تبریزی، ۱۳۸۸: ۲۲۸)، روضة الاطهار (حشری، ۱۳۷۱: ۹۹)، ریحانة الادب (مدرّس تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۳۳ / ۵)، تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز (نادر میرزا، ۱۳۷۳: ۱۶۸)، تحفه سامی (سام میرزا، ۱۳۸۴: ۱۷۹) و کوی سرخاب تبریز و مقبرة الشعرا (سجادی، ۱۳۷۵: ۳۸۰)
- ۶-۱-۱۲- مانی شیرازی به استناد روضات الجنان (کربلایی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۱۱)، تاریخ نظم و نثر در ایران (نفیسی، ۱۳۶۳: ۸۲۶) و کوی سرخاب تبریز و مقبرة الشعرا (سجادی، ۱۳۷۵: ۳۷۴)

۱-۶-۱۳- مجیرالدین بیلقانی به استناد تاریخ ادبیات در ایران، (صفا، ۱۳۶۶: ۲/۷۲۳)، تاریخ نظم و نثر در ایران (نفیسی، ۱۳۶۳: ۱۰۷)، مقبره الشعرا سرخاب (دولت آبادی، ۱۳۴۳: ۲۷۲)، دانشمندان آذربایجان (تربیت، ۱۳۷۸: ۴۶۸) و کوی سرخاب تبریز و مقبره الشعرا (سجادی، ۱۳۷۵: ۲۵۰)

۱-۶-۱۴- همام تبریزی به استناد روضات الجنان (کربلایی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱/۱۰۵)، تاریخ گزیده (مستوفی، ۱۳۳۹: ۷۵۶)، روضة الاطهار (حشری، ۱۳۷۱: ۱۱۲)، تذکرة الشعرا (دولتشاه سمرقندی، ۱۳۳۸: ۲۲۴)، منظرالاولیا (تبریزی، ۱۳۸۸: ۲۳۲)، مفاخر آذربایجان (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۵: ۱۲۹۴)، سخنوران آذربایجان (دولت آبادی، ۱۳۷۷: ۷۴۵) و کوی سرخاب تبریز و مقبره الشعرا (سجادی، ۱۳۷۵: ۳۶۲)

۶-۲- شعری که مدفون بودن آنها در مقبره الشعرا مورد شک می باشد.

### ۱-۲-۶- فلکی شروانی

حمدالله مستوفی در نزهة القلوب (۱۳۳۶: ۸۹) و حاج زین العابدین شیروانی در ریاض السیاحه (۱۳۳۹: ۵۸)، محل دفن فلکی شروانی را در سرخاب می دانند و حافظ حسین در روضات الجنان، اشاره ای به دفن شدن او در تبریز ندارد. حشری (۱۳۷۱) و عقیقی بخشایشی (۱۳۷۵: ۱۰۸۴) او را مدفون در خاک سرخاب می دانند. طباطبایی در اولاد الاطهار، مزار خواجه شمس الدین محمد فلکی را در محله ششگلان در جنب رودخانه در محل دولتخانه جدید می داند و به وجود دو نفر به نام فلکی شروانی اعتقاد دارد و می نویسد: «گویند وی امیر دیوان سلطان غازان مرحوم بوده و زعم بعضی که این فلکی شروانی است شاگرد ابوالعلاء گنجه ای که معاصر خاقانی است، غلط است به سبب آن که از زمان خاقانی تا زمان این فلکی صد و سی سال است و این فلکی بسی فاضل و شاعر کامل بوده است». (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۱۳۹) منظرالاولیا این ادعا را رد می کند و بدون اشاره به مدفن فلکی شروانی می گوید: «این که صاحب روضة الاطهار به دو نفر فلکی در تبریز اعتقاد کرده، سهو نموده یا از جهت تاریخ سنگ نبشته که خوانده، شبهه واقع شده». (تبریزی، ۱۳۸۸: ۲۰)

ریحانة الادب، مکان وفات فلکی را در زادگاهش شماخی می‌داند (مدرّس تبریزی، ۱۳۶۹: ۳/۲۲۸) و ذبیح‌الله صفا، مولد شاعر را شماخی می‌داند؛ ولی در مورد محل دفن او سکوت می‌کند. (صفا، ۱۳۶۶: ۲/۷۷۴) عبدالعلی کارنگ نیز معتقد است که «فلکی شروانی در سال ۵۴۰ هـ. ق در قصبه شماخی شروان در گذشته و در همانجا به خاک سپرده شده.» (کارنگ، ۱۳۷۴: ۱/۴۱۰)

از میان مأخذ فوق، حافظ حسین کربلایی و ذبیح‌الله صفا به محل دفن فلکی شروانی اشاره نمی‌کنند، نزهة القلوب، ریاض السیاحة، روضة الاطهار و مفاخر آذربایجان، او را مدفون در مقبرة الشعرا می‌دانند؛ لیکن ریحانة الادب و آثار باستانی آذربایجان بر دفن شدن شاعر در شماخی تأکید دارند. شاید بر اثر همین تناقض گویی منابع منقول است که مؤلف اولاد الاطهار بر وجود دو نفر به نام فلکی شروانی اعتقاد می‌یابد. بدین گونه است که اطلاعات قاطعی در مورد محل دفن فلکی به دست نمی‌آید و تا زمان به دست آمدن اطلاعات و منابع جدید در این مورد، مدفون بودن فلکی شروانی در مقبرة الشعرا مورد تردید و شک قرار می‌گیرد.

#### ۶-۲-۲- انوری

حمدالله مستوفی در نزهة القلوب، «انوری را مدفون در خاک سرخاب می‌داند.» (۱۳۳۶: ۸۹) و خوافی، ضمن بازگویی حوادث سال ۵۸۵ با اشاره به وفات انوری می‌نویسد: «وفات ملک الحکماء و الشعراء حکیم اوحدالدین انوری الخاورانی. کان من باذنه قریه من قری خاوران مدفوناً بحظیرة الشعرا به سرخاب تبریز در جنب خاقانی.» (خوافی، ۱۳۸۶: ۲/۷۴۴)

منظر الاولیاء نیز به نقل از روضة الصفا و حیب السیر مدفون انوری را در تبریز می‌داند و می‌نویسد: «دیوان آن جناب در میان مردم عزیز است. بعد از وفات در دارالسلطنه تبریز در مقبرة الشعرا مدفون شد.» (تبریزی، ۱۳۸۸: ۲۲۳)

ریاض العارفین «محلّ وفات انوری را ذکر نکرده است.» (هدایت، بی‌تا: ۷۷) حافظ حسین در روضات الجنان، ذکری از مدفون بودن او در سرخاب نمی‌کند. دولت‌شاه سمرقندی مدفون او را در بلخ می‌داند. (۱۳۶۶: ۶۹) و استاد مدرّس رضوی در مقدمه دیوان انوری، مدفون بودن او را در بلخ قریب به یقین می‌داند و معتقد است که سه روایت در مورد محل دفن انوری وجود دارد:

«اول: قول دولتشاه سمرقندی و چند تذکره‌نویس دیگر است که به پیروی از او گفته‌اند وفات انوری در بلخ بوده و گور او در جنب مزار سلطان احمد خضرویه قدس الله روحه است و این قول در میان اقوال سه‌گانه، مشهورتر و به صحت نزدیک‌تر است.

دوم: گفته حمدالله مستوفی در کتاب نزهة القلوب است که در جایی که مزارات تبریز را برمی‌شمارد، گوید: و در مقبرة الشعرا به سرخاب، انوری و خاقانی و ظهیرالدین سوّم: گفته جعفر بن محمد حسین جعفری در تاریخ کبیر است. گوید وفات انوری در زمین خاور بوده» (انوری، ۱۳۷۶: ۹۳-۹۲)

با توجه به اقوال سه‌گانه فوق، مدفون بودن انوری نیز در مقبرة الشعرا مورد تردید قرار می‌گیرد. شاید هم دو نفر به نام انوری وجود داشتند که یکی در مقبرة الشعرا دفن شده است و دیگری در بلخ.

### ۶-۲-۳- اثیرالدین اخسیکتی

حشری در تاریخ خود، اثیرالدین را جزو مشاهیر شعرای خفته در خاک سرخاب معرفی می‌کند (حشری، ۱۳۷۱: ۱۱۸) و عزیز دولت‌آبادی در بیان معروف‌ترین شعرابی که در مقبره الشعرا مدفون‌اند، از اثیرالدین سخن به میان می‌آورد. (دولت‌آبادی، ۱۳۴۳: ۲۷۲) محمدعلی تربیت نیز در دانشمندان آذربایجان ضمن شرح حال مجیرالدین بیلقانی می‌نویسد: «اثیرالدین اخسیکتی و ظهیرالدین طاهربن محمد الفاریابی و جمال‌الدین شاهفوربن محمدالاشهری النیشابوری نیز از جمله معارضین او بوده و هر سه در اواخر قرن ششم در تبریز مرده و در مقبرة الشعرا مدفون هستند». (تربیت، ۱۳۷۸: ۴۶۸)

سایر مأخذ همانند تذکرة الشعرا (دولتشاه سمرقندی، ۱۳۶۶: ۶۹) و ریاض العارفین (هدایت، بی‌تا: ۲۷۲) و تاریخ نظم و نثر در ایران (سعید نفیسی، ۱۳۶۳: ۱۰۷) بر مدفون بودن او در شهر خلخال اتفاق نظر دارند. بدین ترتیب تنها دولت‌آبادی و محمدعلی تربیت که احتمالاً مأخذشان تاریخ حشری بوده است به دفن شدن اثیرالدین در سرخاب اشاره دارند.



۳-۶- شاعری که یقیناً در مقبرة الشعرا دفن نشده

۱-۳-۶- نیر تبریزی

محمدعلی تربیت به وفات نیر در سال ۱۳۱۲ در تبریز اشاره کرده ولی محلّ دفن او را ذکر نمی‌کند. (۱۳۷۸:۵۵۷) محمدعلی صفوت در داستان دوستان اشاره می‌کند که «نیر در سنّ ۶۴ سالگی فوت کرد. ازدحام تشییع کنندگان به حدّی بود که امکان نمازگزاری در شهر ممکن نشد، لذا در خارج شهر، در دامنه کوه عون بن علی در محلی موسوم به صفة صفا برای وی نماز خواندند». (صفوت، ۱۳۷۶: ۱۹۹) مؤلفان مقبرة الشعرا تبریز با اشاره به مضمون همین گفته محمدعلی صفوت اشاره می‌کنند که «حجّة الاسلام میرزا محمدتقی نیر تبریزی به سال ۱۳۱۲ هـ ق در تبریز درگذشت. به دلیل ازدحام جمعیت در روز تشییع جنازه، در مکانی به نام صفة الصفا در دامنه کوه عون بن علی بر وی نماز گزارند و او را در سرخاب و در مقبرة سید ابراهیم به خاک سپردند». (حسین زاده، ۱۳۸۴: ۱۸۵)

مفاخر آذربایجان (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۵: ۳/ ۱۴۳۰) و ریحانة الادب (مدرّس تبریزی، ۱۳۶۹: ۲۹ / ۲) محلّ دفن نیر را در وادی السلام نجف مابین مقام مهدی (عج) و دیوار نجف معرفی می‌کنند. دهخدا نیز به نقل از ذریعه، دیباچه آتشکده حجّة الاسلام و ریحانة الادب، محلّ دفن او را در نجف می‌داند و اشاره می‌کند که نیر «پس از وفات برادر بزرگش، مرجع عامه شیخیه در تبریز شده تا صبح روز جمعه دوازدهم رمضان سال ۱۳۱۲ هـ. ق در آن شهر وفات یافت و جسدش را به نجف نقل و در آن خاک مدفون نمودند». (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶/ ۱۷۷۵)

در این میان، آرمیدن نیر در نجف به صواب نزدیکتر می‌نماید. حتی اگر نیر در مقبرة سید ابراهیم هم دفن شده باشد باز هم نمی‌توان او را مدفون در مقبرة الشعرا به شمار آورد. مقبرة الشعرا در خیابان ثقة الاسلام و در ضلع شرقی بقعه سید حمزه قرار گرفته است؛ در حالی که مقبرة سید ابراهیم در خیابان شمس تبریزی و در محله دوهچی واقع است و بین این دو بیش از دو کیلومتر فاصله است.

## نتیجه گیری

چنان که گفتیم در نیمه دوم قرن دهم هجری، حافظ حسین در روضات الجنان اشاره می‌کند که از مقبره‌های خاقانی و ظهیرفاریابی و شاهفور نیشابوری که مقبره الشعرا نامیده می‌شود، اثر و نشانه‌ای بر جای نمانده است؛ لیکن در اوایل قرن یازدهم هجری، ملا حشری وقتی از مقبره الشعرا و مزار شاعرانی مانند خاقانی و اسدی و ظهیر فاریابی و شاهفور نیشابوری سخن به میان می‌آورد، می‌گوید اظهر من الشمس است؛ منبع و سند نویافته این پژوهش یعنی سبحات الانوار که همزمان با تاریخ حشری تألیف شده، ثابت می‌کند که نوشته‌های حشری در مورد آبادی مقبره الشعرا در قرن یازدهم، دقیق و دارای اصالت است.

- تذکره تقی‌الدین کاشی نیز که در قرن یازدهم تألیف شده همانند ملاحشری نوشته است که مرقد و مزار خاقانی معلوم است. این مطلب نشان می‌دهد که در قرن یازدهم، لااقل مزار و مرقد خاقانی به کلی از بین نرفته بود.
- علاوه بر این، مطالب نقل شده توسط خانیکوف در حوالی سال ۱۲۰۰ هجری قمری در مورد پا برجا بودن مقبره الشعرا تا پیش از زلزله‌های دوره قاجار نیز تأیید دیگری بر اصالت نوشته‌های حشری می‌تواند باشد.

بنابراین اگر این زلزله‌ها را زلزله‌های سال ۱۱۹۳ و ۱۱۹۴ هجری قمری بدانیم که سبب ویرانی مقبره الشعرا شده و اگر نوشته‌های سبحات الانوار و تذکره تقی‌الدین کاشی را از یک سو و اعتبار و اصالت مندرجات روضات الجنان حافظ حسین کربلایی را از سوی دیگر بی‌آوریم؛ شاید این نظر قوت بگیرد که این گورستان بعد از مندرس شدن در آشفستگی‌های قرن دهم تبریز، بازسازی شده و حداقل تا ایام کودکی آن دو پیرمرد تبریزی، آباد بوده سپس توسط همین زلزله‌ها ویران شده است.

### فهرست منابع و مأخذ

- ۱- انصاری کازرونی، شیخ ابوالقاسم، (۱۳۴۰)، *سَلَم السَّمَوَات*، به اهتمام و تصحیح و حواشی دکتر یحیی غریب، چاپ اول، بی‌جا: چاپخانه محمد علی نظمی.
- ۲- انوری، اوحدالدین، (۱۳۷۶)، *دیوان انوری*، به کوشش محمدتقی مدرس رضوی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۳- بیگدلی، آذر، (۱۳۳۶)، *آتشکده آذر*، به تصحیح و تعلیق حسن سادات ناصری، تهران: امیرکبیر.
- ۴- تبریزی، محمد کاظم بن محمد، (۱۳۸۸)، *منظرالاولیا*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۵- تربیت، محمد علی، (۱۳۷۸)، *دانشمندان آذربایجان*، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۶- حسین‌زاده، وحید و ام البنین حسین‌زاده، (۱۳۸۴)، *مقبره الشعراء تبریز*، چاپ اول، تبریز: ستوده.
- ۷- حشری، ملا محمد امین، ۱۳۷۱، *روضه الاطهار*، به تصحیح و اهتمام عزیز دولت‌آبادی، تبریز: ستوده.
- ۸- خوافی، فصیح، (۱۳۸۶)، *مجمعل فصیح*، تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصرآبادی، چاپ اول، تهران: اساطیر
- ۹- دولت‌آبادی، عزیز، (۱۳۴۳) *الف، زلزله های تبریز*، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، شماره دوم، سال شانزدهم، صص ۱۶۲-۱۳۷.
- ۱۰- \_\_\_\_\_، (۱۳۴۳) ب، *مقبره الشعراء سرخاب*، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، شماره سوم، سال شانزدهم، صص ۲۷۶-۲۶۵.
- ۱۱- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۷)، *سخنوران آذربایجان*، چاپ اول، تبریز: ستوده.
- ۱۲- دولت‌شاه سمرقندی، (۱۳۶۶)، *تذکره الشعراء*، به همت محمد رضانی، چاپ دوم، تهران: پدیده خاور.
- ۱۳- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، *لغت نامه*، ج ۶، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۴- دیهیم، محمد، (۱۳۶۷)، *تذکره شعرای آذربایجان*، چاپ اول، تبریز: آذرآبادگان.
- ۱۵- رازی، امین‌احمد، (۱۳۷۸)، *هفت اقلیم*، تصحیح، تعلیقات و حواشی سیدمحمدرضا طاهری، تهران: سروش.
- ۱۶- رضازاده شفق، صادق، (۱۳۵۲)، *تاریخ ادبیات ایران*، تهران: دانشگاه پهلوی.
- ۱۷- سام میرزا صفوی، (۱۳۸۴)، *تحفه سامی*، تصحیح و تحشیه دکتر رکن‌الدین همایون فرخ، چاپ اول، تهران: اساطیر.

- ۱۸- سجادی، ضیاءالدین، (۱۳۷۵)، *کوی سرخاب تبریز و مقبره الشعراء*، چاپ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۱۹- شیروانی، زین العابدین، (۱۳۳۹)، *ریاض السیاحه*، تصحیح و تنظیم حامد ربانی، تهران: سعدی.
- ۲۰- صفوت، محمدعلی، (۱۳۷۶)، *داستان دوستان*، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز: ابو.
- ۲۱- صفا، ذبیح الله، (۱۳۶۶)، *تاریخ ادبیات در ایران*، چاپ هفتم، تهران: فردوس .
- ۲۲- طباطبایی تبریزی، سیدمحمد رضا بن سیدمحمدصادق، (۱۳۸۹)، *تاریخ اولاد الاطهار*، به کوشش محمد الواناساز خویی، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی .
- ۲۳- عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، (۱۳۷۵)، *مفاخر آذربایجان*، چاپ اول، تبریز: آذربایجان.
- ۲۴- فروزانفر، بدیع الزمان، (۱۳۶۹)، *سخن و سخنوران*، چاپ چهارم، تهران: خوارزمی.
- ۲۵- کارنگ، عبدالعلی، (۱۳۷۴)، *آثار باستانی آذربایجان*، چاپ دوم، تهران: راستی نو.
- ۲۶- کربلایی تبریزی، حافظ حسین، (۱۳۸۳)، *روضات الجنان و جنان الجنان*، به سعی و اهتمام محمدامین سلطان القرایی، چاپ اول، تبریز: ستوده.
- ۲۷- مدرس تبریزی، میرزا محمدعلی، (۱۳۶۹)، *ریحانه الادب*، چاپ سوم، بی جا: کتابخانه.
- ۲۸- مستوفی، حمدالله، (۱۳۳۹)، *تاریخ گزیده*، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوائی، تهران: امیرکبیر.
- ۲۹- \_\_\_\_\_، (۱۳۳۶)، *نزهة القلوب*، به اهتمام محمد دبیر سیاقی، تهران: طهوری.
- ۳۰- مشکور، محمدجواد، (بی تا)، *تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم*، بی جا: بی نا.
- ۳۱- میرزا، نادر، (۱۳۷۳)، *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*، مقدمه، تصحیح و تحشیه غلامرضا مجد، چاپ اول، تبریز: ستوده.
- ۳۲- نظمی، علی، (۱۳۷۸)، *دویست سخنور*، چاپ سوم، تهران: سروش .
- ۳۳- نفیسی، سعید، (۱۳۶۳)، *تاریخ نظم و نثر در ایران*، بی جا: فروغی.
- ۳۴- نورانی، عبدالله، (۱۳۸۱)، *رسائل فارسی ادهم خلخالی*، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- ۳۵- نیکنام لاله، ایوب و فریبرز ذوقی، (۱۳۷۴)، *تبریز در گذر تاریخ*، چاپ اول، تبریز: یاران.
- ۳۶- هدایت، رضاقلی خان، (بی تا)، *ریاض العارفین*، به کوشش مهرعلی گرکانی، بی جا: پیکان.
- ۳۷- \_\_\_\_\_، (۱۳۳۹)، *مجمع الفصحاح*، به کوشش مظاهر مصفا، بی جا: بی نا.